

سپیدجامگان آسمانی ۶

زندگی نامه شهدای جامعه پرشکی استان چهارمحال و بختیاری

طبیبان قدسی/۱۳

سرشناسه	علمدار، سیدزهره، ۱۳۳۷، گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور	زندگی‌نامه شهدای جامعه پزشکی استان چهارمحال و بختیاری/گردآوری و تنظیم: سیدزهره علمدار.
مشخصات نشر	تهران: سازمان بسیج جامعه پزشکی، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	۳۳۰ ص.: مصور، مکتب؛ ۱۲/۲۱×۱۲/۲۱/ل.س.م.
فرست	سپیدجامگان آسمانی؛ ۴. طبیبان قدسی؛ ۱۲.
شابک	۵۰۰۰۰ ریال؛ 978-600-6566-03-0
وضعیت فهرست‌روسی	فیا
موضوع	جنگ ایران و عراق، ۱۲۵۹ - ۱۳۲۷ - شهیدان - سرگذشت نامه
موضوع	شهیدان - ایران - چهارمحال و بختیاری
موضوع	شهیدان - ایران - چهارمحال و بختیاری - بازماندگان - خاطرات
شناسه افزودن	سازمان بسیج جامعه پزشکی
رده بندی کنگره	۱۳۹۱ ر ۷۵ ع ۱۶۲۵ DSR
رده بندی دیویی	۹۵۵/۰۸۷۲.۹۲۲
شماره کتابشناسی ملی	۳۹۹۵۹۵۹

سپیدجامگان آسمانی ۶

طبیبان قدسی ۱۳

زندگی‌نامه شهدای جامعه پزشکی استان چهارمحال و بختیاری

گردآوری و تنظیم: سید زهره علمدار

ویراستار: فهیمه روح‌اللهی

ناشر: سازمان بسیج جامعه پزشکی

صفحه‌آرایی: نرگس پاینده

چاپ اول: بهار ۱۳۹۲

چاپ: جایگاه روزنامه جوان

شمارگان: ۲۰۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۵۶۶-۰۳-۰

قیمت: ۵۰۰۰۰ ریال

نشانی: تهران، تقاطع بزرگراه نیایش و خیابان سنول، مجتمع نیایش،

ساختمان ۱۴۰، طبقه سوم، سازمان بسیج جامعه پزشکی

نمبر: ۲۳۶۶۱۴۵۱

تلفن: ۲۲۶۶۱۴۴۴-۶

کلیه حقوق اعم از چاپ و تکثیر، نسخه برداری، ترجمه و اقتباس، برای سازمان بسیج جامعه پزشکی محفوظ است.

فهرست

۱۱	مقدمه
۱۳	پیشگفتار
۱۷	ابراهیم احمدی سورجانی
۲۰	نوروز علی آذریان بروجنی
۲۷	داریوش آذریان
۳۲	علی اکبر اسدی آقبلاغی
۳۵	غلامرضا اسدی
۳۶	مسعود اسماعیلی
۳۹	سید رحمان امینی
۴۰	سالار انصاری
۴۴	احمد اوشال
۴۹	الیاس بهارلو
۵۴	فیروز پروین نیا
۶۰	حجت الله ترابی
۶۵	حجت الله تکبیری
۶۹	محسن حق شناس
۷۶	مهراب رحیمی دهکردی

۸۰.....	سید محمد رضا رضوی دهکردی.....
۸۲.....	سید حاتم رفیعی.....
۸۶.....	محمد تقی ریاحی.....
۹۱.....	مضانعلی زمانی دستگردی.....
۹۴.....	محمود شیروانی.....
۱۰۰.....	علی محمد سیفی.....
۱۰۷.....	ابراهیم شهراری.....
۱۱۱.....	علی ریحان طاهری.....
۱۱۶.....	سیروس عباسی.....
۱۲۲.....	علی اکبر علی بیگی.....
۱۲۷.....	بیژن عباس زادم.....
۱۳۰.....	جهانگیر عسگری گندمانی.....
۱۳۳.....	رستم علی بابایی.....
۱۳۹.....	شهابالدین کاووسی.....
۱۴۵.....	سبزمрад قیصری.....
۱۴۶.....	بهمن مردانیان.....
۱۵۲.....	محمدعلی مولوی.....
۱۵۶.....	ناصر میرزا کوچک.....
۱۵۹.....	حجت الله مطلبی.....
۱۶۳.....	شهریار همت زادم.....
۱۶۸.....	خیبر همتی.....
۱۷۱.....	فرزاد یزدان پناه.....
۱۷۵.....	کرامت یوسفی.....
۱۸۰.....	حجت الله آقا بابایی.....
۱۸۵.....	خیرالله نادعلی.....

۱۸۶	سید عبدالله حسینی چالشتری.....
۱۹۱	عباس علی قنبر (حسین فاضلی).....
۱۹۷	غلامرضا جباری.....
۲۰۱	مرتضی ملک پور.....
۲۰۵	منوچهر احمدی.....
۲۰۸	قدرت الله سمیع.....
۲۱۳	نگهدار بیگی.....
۲۲۱	شکرا، بیکار.....
۲۲۷	فریدون فاتحی.....
۲۳۲	عبدالعلی کیانی.....

بسمه تعالی

مقدمه

۲۴ سال از دوران حماسه و ایثار، عصر طلایی هشت سال دفاع مقدس، می‌گذرد. قطعه‌ای از تاریخ کربلای ۶۱ هجری قمری که هر قشر و صنف و گروهی در هر سن و سالی و با هر تجربه و تخصصی پشت سر ولایت گردهم آمدند تا «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» را تفسیر عملی نمایند. از همه هستی خود و تعلقات آن گذشتند تا امام و مقتدایشان تنها نماند. در هر وجب از این سرزمین شهیدی دادند تا ننگ ذلت و تسلیم بر پیشانی تاریخشان نقش نبندد.

در این حضور حماسی، جامعه پزشکی آزمایش نیکویی از خود نشان داد. آنان با تحمل غم فراق یاران، پاره‌های دل خویش را جمع نمودند و عاشقانه سوختند و با تاسی از بزرگ پرستار عالم، حضرت زینب کبری (سلام الله علیها)، عاشقانه در تسکین و ترمیم جراحات مدافعان سپاه اسلام ایفای نقش و ادای دین کردند. درمانگران و دیگر کمک کاران تیم‌های اضطراری که همپای رزمندگان جبهه حق به مراقبت از سلامتی آنها پرداختند و از خود گذشتند تا پیوند علم و تخصص و تعهد و ولایت‌مداری را در هشت سال دفاع مقدس معنا کنند و چراغ راهی باشند برای

هم‌سنگران‌شان در سنگر علم و دانش.

اینک بر آن شدیم با تمسک به ارواح طیبه شهدای والامقام عرصه سلامت کشور، کتاب سپیدجامگان آسمانی^۶ را، که یادنامه ۵۰ لاله سرخ جامعه پزشکی استان است، به رشته تحریر درآوریم تا انشاءالله اجر و پاداش از فوز عظیم شهادت را نصیب تشنگان این طریق گردانیم چرا که به فرموده مولا و مقتدایمان حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی): «زنده نگه‌داشتن یاد و خاطره شهدا کمتر از شهادت نیست.»

اگر چه این بضاعت ناچیز قطره‌ای از اقیانوس عظمت شهدای عزیز را شاید ولیکن

آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید
امید است مورد قبول درگاه حضرت حق تعالی و ارواح طیبه شهدای عزیز قرار گیرد و خانواده‌های معظم این شهدا ما را به سبب کاستی‌های این یادنامه مورد عفو و دعای خیر قرار دهند.

والسلام

سازمان بسیج جامعه پزشکی استان چهارمحال و بختیاری

پیشگفتار

سال‌های عشق و حماسه گذشت. روزهایی که زمین رنگ آسمان بود. روزهایی که بلاجویان دشت کربلا در عنفوان جوانی منازل عرفان را یکی پس از دیگری طی کردند.

تک سوارانی نشسته بر محمل ملائک که امتحان بزرگ انسانیت را با بهترین نمره به پایان رساندند و کربلای دیگری آفریدند. مشق عشق کردند، رشد یافتند و نام شهید گرفتند.

شهید در عرش برین مأوا دارد، عند ربهم یرزقون است و فاصله خود تا خدا را به یک ندای «ارجعی الی ربک راضیه مرضیه» در نور دیده است.

عاشقی را به بهای رضوان الهی می‌طلبد و خدا خونبهایش می‌شود چگونه می‌توان در بیان عظمت شهید نوشت وقتی در طلب «رضوان من الله اکبر» تا بالاترین منزل قرب شتافته است؟ چگونه می‌توان در وصف سبکباران عاشق نوشت؟ آنان که جان در طبق اخلاص نهادند و بی هیچ چشمداشتی به محضر دوست تقدیم نمودند.

به راستی چگونه می‌توان از ستارگان آسمان رضا گفت وقتی دل‌های ما در تباهی گناه غوطه می‌خورد، آسمان روی سرمان سنگینی می‌کند و دستنمان پر از زمستان دوری شده است؟ ما به دیوارهای دنیا دل

بسته‌ایم، قطعه‌ای از روزهای جهاد و شهادت را در تنگ کوچک ذهنمان حبس کرده‌ایم و تنها با خاطراتشان حرف‌های دل را مرور می‌کنیم. و افسوس... هزاران افسوس که بهار روزهای عظمت به سراغ ما نمی‌آید و یارانمان رفته‌اند. آنان که بهاری بودن را به ما یاد دادند. به ما آموختند بهار رضا رفتنی نیست حتی اگر خزان فتنه‌ها بر جغرافیای اذهان هجوم آورد و تندباد حوادث و بلاها تن‌های خسته را دربرگیرد. آموختند اگر راه ابدی از جنس نیاز باشد می‌توان دروازه رضا را گشود و تا شهر رضایت سفر کرد.

هیئات... هیئات اگر یاد یاران حماسه دفاع از کیان و شرف از خاطرمحو شود یاد آنان که در تاریکی شب‌های جبهه‌های غرب و جنوب زنگ دلشان به صدا درآمد، چلچله‌ها در بی‌قراری نوایشان پرواز آموختند و روزهایشان بهانه‌ای برای عاشقی بود و شب‌هایشان وسعت بودن.

آن‌ها خواهند ماند. اگرچه امروز ما در حسرت عطر گم‌شده حضورشان دست و پا می‌زنیم، اما می‌دانیم روی تپه‌های صبح ظفر اثری جز ردپای حضورشان نیست. روزهای بودنشان در برابر ما حک شده و بی‌یادشان به دست‌هایی می‌مانیم که با دره‌های مه‌آلود فراموشی بی‌وند خورده‌اند و اگرچه مه هجرانشان تمام وجودمان را گرفته ما را می‌بینند، صدایمان می‌زنند و وطنین نوایشان تا ابدیت جاری است.

و ما برآنیم به بهانه ثبت در تاریخ و افروختن مشعل راهنما فراروی خود و آیندگان از آن‌ها بنویسیم؛ از سروقامتان جاودانه تاریخ و مردان مرد این دیار. یارانی که ایستادگی‌شان کوه را شرمند کرد. بسیجیانی که جاودانه‌ترین اسطوره‌های تاریخ‌اند. آنان که استادان اخلاق و مروت‌اند و آینه‌های صیقلی روحشان سایه نشان کوچه‌های مهتاب است. این بندگان که مهر بندگی رب بر دل‌هایشان خورده بود، اطاعت بی‌چون

و چرا از ولایت داشتند و همین بهای‌شان بود. مگر می‌شد مولایشان فرمان دهد و اطاعت نکنند؟! تاریخ جهان هزاران سال منتظر ظهورشان بود. ظهور جوانانی که بیایند و عهد ازلی انسان را ادا کنند و آرمان‌های هزاران ساله انبیا را محقق نمایند.

آن‌هایی ادعا جنگیدند و مرهم شدند بر زخم‌ها. آن‌گاه که دیگر تاب ماندنشان نبود و عرصه بر روحشان تنگ شد ندای ارجعی پرودگار را لبیک گفتند و در جوار رحمتش آرمیدند. پس باید که بر سر پیمان بمانیم و غفلت را که همسایه قلب‌هایمان شده به گورستان فراموشی بسپاریم.

کتاب حاضر مجموعه‌ای از بی‌نشان‌هایی است که نشان در تاریخ همیشه منتظر جهان دارند. کتاب سید جامگان آسمانی (۶) تکرار حکایت مردانی است که خدا را به بها طلبیدند نه به بهانه. امید که مقبول درگاهشان افتد. انشاءالله.

اللهم تقبل منا انک انت سمیع بصیر

سیده زهره علمدار